

یک‌شنبه ۱۴ دی ۱۳۹۹ • ۱۹ جمادی‌الاولی ۱۴۴۲ • ۳ ژانویه ۲۰۲۱

## خبر کوتاه

**انگیزه‌های جدید برای ۳ فتنگذار ایرانی**

رقابت‌های فوتبال در سراسر دنیا با وجود شیوع بیماری عجیب‌وغریب کرونا درحال پیگیری است و علاقه‌مندان به این رشته می‌توانند همچنان عملکرد تیم‌های موردنظرشان را دنبال کنند؛ برای ایرانی‌ها هم لیگ‌های اروپا (غالبا لیگ‌های درجه دو) در این چند سال به‌واسطه حضور لژیونرهای ایرانی جذاب‌تر شده و بعضا عملکرد درخشان آنها توانسته توجه فوتبال مدرن را تا حدودی معطوف به فوتبال ایران هم بکند. به غیر از علیرضا جهانبخش که یکی، دو فصلی می‌شود در لیگ برتر انگلیس به میدان می‌رود، دیگر ستاره‌های فوتبال ایران از رسیدن به پنج لیگ معتبر اروپایی محروم بوده‌اند؛ این محرومیت گاه به خاطر خواسته خودشان و گاه نداشتن پیشنهاد از سوی تیم‌های حاضر در این لیگ‌ها بوده است.
بااین‌حال، درخشش تعدادی از بازیکنان ملی‌پوش ایرانی در این اواخر، فضا را مهیا کرده تا دوباره فوتبال ایران، تعداد بیشتری لژیونر در لیگ‌های معتبر اروپایی داشته باشد. در واقع انتظار می‌رود با آمدن سال نو میلادی، در همین سال ۲۰۲۱ چندین اتفاق بزرگ برای فوتبال ایران و به‌ویژه سه فتنگذار تیم ملی (آزمون، طارمی و جهانبخش) رخ دهد که در زیر مختصرا نگاهی به این اتفاقات احتمالی شده است.

**سردار بالاخره از روسیه دل می‌کند**

اگر قرار باشد باثبات‌ترین لژیونر فوتبال ایران که در سطح قابل‌قبولی بازی می‌کند و فرصت حضور در لیگ قهرمانان اروپا را به دست می‌آورد، معرفی شود باید به سردار آزمون پرداخت. مهاجم تیم ملی ایران باثبات‌ترین ژئونیوی است که فعلا در لیگ روسیه و البته باشگاه بزرگ زینیت بازی می‌کند. با وجود آنکه لیگ روسیه در مقایسه با پنج لیگ معتبر اروپایی چندان رقابتی نیست ولی حضور سردار آزمون در بهترین تیم این لیگ نشان از توانایی‌های مهاجم ایرانی دارد. سردار آن قدر ثبات داشته که حالا یکی از مهره‌های اصلی زینت محسوب می‌شود و فراع از اینکه رقابت داخلی باشد یا در عرصه بین‌المللی، او یکی از دو مهاجم اصلی تیمش است. سردار آزمون تا همین‌جا دو قهرمانی در لیگ روسیه، یک قهرمانی در جام حذفی و یک قهرمانی در سوپر جام دارد و یک بار هم عنوان برترین گلزن لیگ را به دست آورده است. او در همین فصل هم بعد از ۱۹ هفته با زدن ۱۱ گل صدرنشین گلزنان (به‌صورت مشترک) است و اگر اتفاق خاصی نیفتد نهنتا یکبار دیگر قهرمانی در روسیه را حس می‌کند بلکه می‌تواند برای دومین بار عنوان آقای گلی را هم به دست بیآورد. ناگفته پیداست که همین عملکرد نشان می‌دهد دیگر لیگ روسیه برای سردار آزمون کوچک است؛ او توانایی‌اش را بارها در دید قهرمانان اروپا و در مواجهه با تیم‌های بزرگ اروپایی نشان داده و هیچ مشکلی برای بازی کردن در لیگی بزرگ‌تر ندارد. توانایی‌های سردار آن قدر هست که مشتری برایش زیاد باشد، او از هر پنج لیگ معتبر اروپا پیشنهاد دارد ولی دلش پیش لیگ برتر انگلیس گیر کرده و طبیعتا اگر پیشنهاد قابل‌توجهی از این لیگ به دستش برسد، انتخاب اولش خواهد بود. همین حالا شایعه پیشنهاد آرسنال به او به گوش می‌رسد و می‌تواند به قدر کافی وسوسه‌کننده باشد. دیگر پیشنهادها هم از لیگ ایتالیا به دست سردار رسیده که بازم هم می‌تواند برایش زمینه‌ساز جهشی بزرگ باشد. پس، یکی از اتفاقات مهمی که فوتبال ایران می‌تواند در سال ۲۰۲۱ انتظارش را داشته باشد، خروج سردار آزمون از زینیت و پیوستنش به یکی از تیم‌های بزرگ در لیگ‌های معتبرتر اروپایی است. البته که این تنها اتفاقی نیست که سردار رقمش می‌زند، چون اگر او انتخاب کند که از زینیت جدا شود، آن وقت در سال ۲۰۲۱ عنوان گران‌قیمت‌ترین بازیکن تاریخ ایران هم جابه‌جا می‌شود؛ زینت به پیشنهاد زیر ۳۰ میلیون یورو برای سردار فکر هم نمی‌کند؛ حتی با همین رقم کف ۳۰ میلیون یورو، سردار در سال ۲۰۲۱ می‌تواند تبدیل به گران‌قیمت‌ترین بازیکن تاریخ ایران شود و این عنوان را از دست علیرضا جهانبخش دربیآورد.

**طارمی قد می‌کشد!**

دومین بازیکن ایرانی که می‌تواند اتفاقات بزرگی در سال ۲۰۲۱ رقم بزند، مهدی طارمی است؛ مهاجم پوشه‌ری تیم ملی ایران همین حالا با حضور در پورتو در یکی از بهترین باشگاه‌های دنیا بازی می‌کند ولی او هم درست مثل سردار آزمون از رسیدن به لیگ‌های معتبرتر اروپایی بازمانده است؛ البته که او پیش‌تر شانس بازی در لیگ فرانسه را داشت ولی به‌رحال ترجیح داد در پرتغال بماند و برای پورتو به میدان برود. طارمی به‌عنوان آقای لیگ پرتغال به پورتو رسیده و هنوز برای رسیدن به جایگاه اصلی‌اش در این باشگاه تلاش می‌کند. او با وجود آنکه در اوایل فصل یک یار تعویضی بود، آن قدر درخشیده که این روزها یکی از دو انتخاب اصلی سرمربی پورتو برای حضور در خط حمله است. طارمی تا همین‌جا که ۱۱ هفته از لیگ پرتغال سبری شده توانسته ۴ گل بزند و سه پاس گل هم بدهد. معنایش می‌شود آنکه اگر در پورتو فیکس شود (اتفاقی که در آستانه رقم‌خوردن است) علاقه‌مندان به فوتبال در ایران دوباره باید منتظر آقای گل شدن او در لیگ پرتغال باشند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، آن‌وقت بعداست پورتو توان مقاومت برابر پیشنهاد تیم‌های حاضر در پنج لیگ معتبر اروپایی برای خریدن مهدی طارمی را داشته باشد. به‌ویژه اینکه او حالا ارزش واقعی‌اش را نشان داده و مدتی نرفته، بازار فوتبال اروپا برایش قیمتی نزدیک به ۱۰ میلیون یورو گذاشته‌اند. بر کسی پوشیده نیست که طارمی عاشق رئال مادرید است و بدش نمی‌آید به آرزوی دوران کودکی‌اش برسد؛ شاید درخشش در پرتغال و دریافت پیشنهاد از یک تیم اسپانیایی مهدی را به رؤیایی که در سر دارد، نزدیک کند. او می‌داند تحقق رؤیایش کار بسیار دشواری است ولی تا به الان نشان داده از مبارزه کردن هراسی ندارد. پس، دومین اتفاقی که می‌تواند در سال ۲۰۲۱ برای لژیونرهای ایرانی بیفتد، تکرار عنوان آقای گلی طارمی در پرتغال و سرریز شدن پیشنهادهای بهتر برای اوست.

**فیکس شدن علی جهان**

اگر قرار باشد اعتبار لیگ‌ها را مورد ارزیابی قرار دهیم، باید حضور علیرضا جهانبخش، بال تیم ملی ایران در برایتون را اوج هنر یک فوتبالیست ایرانی در این سال‌ها دانست؛ پسر خوشفکری که در لیگ هلند درخشید و خودش را به فوتبال دنیا ثابت کرد، با رقم قابل‌توجه و نزدیک به ۲۰ میلیون یورو که در آن زمان برای باشگاه برایتون رکورد محسوب می‌شد، از الکنمار به این باشگاه انگلیسی پیوست. اگر قرار باشد فوتبالیستی که بیشترین پیشرفت از لحاظ تنوع لیگ را داشته مثال بزینم، باید به علیرضا اشاره کنیم که پایش را به لیگی باز کرد که همچنان بسیاری معتقدند برترین لیگ دنیاست؛ البته که جهانبخش به‌عنوان آقای گل لیگ هلند به برایتون رسید و قابلیت‌های فنی‌اش را ثابت کرده بود. حضور در برایتون اما برایش آن‌طور که باید خوب پیش نرفته، بازار گشودن فوتبال انگلیس زمان بر شد و بعد هم که رخ داد، تغییراتی در این باشگاه، علیرضا را تبدیل به یک بازیکن نیمکت‌نشین کرد. با وجود آنکه همچنان شایعاتی درباره بازگشتش به فوتبال هلند مطرح می‌شود اما او می‌گوید قرار نیست تسلیم شود و می‌خواهد برای حفظ جایگاهش در برایتون مبارزه کند. شرایط نشان داده علیرضا پیشرفت قابل‌توجهی در این زمینه داشته است؛ در مقایسه با فصل گذشته، او همین حالا بازی‌های بیشتری برای برایتون انجام داده است و در ۱۱ بازی موفق شده گی پاس گل هم بدهد؛ چه‌بسا اگر خوش‌شانسی بود او علاوه بر این پاس گل می‌توانست چند گل زده هم در کارنامه داشته باشد. اتفاق خوبی که برای او و فوتبال ایران می‌تواند در سال ۲۰۲۱ رقم بخورد، فیکس شدنش در ترکیب برایتون است. او از لحاظ فنی اختلاف سطحی با بازیکنان فیکس برایتون ندارد و چه‌بسا در خلق موقعیت و ایجاد حمله بعضا در آنها توانمندتر هم نشان داده است. فعلا با حفظ همین روند و چنگدستی بیشتر در تمرینات چه‌بسا او در سال جدید بالاخره به مهره اصلی برایتون هم شود؛ با گناهی که همواره در میانه رو به پایین جدول قرار دارد، شاید بالاخره به توانایی‌های پسر جسور ایرانی بی‌برد و بیشتر به او در ترکیب اصلی فرصت دهد. اگر علیرضا در این زمینه بهتر شود، قاعدتا وضعش در جدول ارزش‌گذاری هم بهتر می‌شود؛ با وجود رقم قابل‌توجه ۲۰ میلیون یورو، او این روزها ارزشش افت کرده و تا پنج‌میلیون یورو کاهش پیدا کرده است. فیکس شدن در برایتون به‌معنای افزایش قیمتش در بازار هم خواهد بود.

### واکش قله‌نوبی به دلخوری آقای گل لیگ

یکی از حواشی پررنگ مصاف جذاب و تماشایی امیرقلعه‌نوبی مقابل تیم سابقش ۱۵ دقیقه مانده به پایان بازی رخ داده، جایی که پس از اعلام شدن ضربه پنالتی، احمدرضا زنده روح هافبک آبی پوشان سیرجانی به منشا که برای زدن ضربه پشت توپ ایستاده بود، نزدیک شد و به مهاجم نیجریه‌ای گل گهر نیمکت تیم را نشان داد که فرمان تغییر زنده پنالتی را صادر می‌کردند. زنده روح که فصل گذشته ۶ گل از وی ضربه پنالتی به ثمر رساند، باگوشه‌زد شدن این نکته توسط کادر فنی او یا باید پنالتی را بزند، این وظیفه را عهده دار شد و با آرمشی قابل تحسین موفق شد یکی از برترین دروازه بان های لیگ برتر را قریب دهد و اختلاف را به حداقل رساند. یکی از مهم‌ترین وظایف مدیر و رهبر در هر سازمانی، مشخص کردن شرایط احزار یک شغل و نوشتن شرح شغل برای پست‌های مختلف، جهت پیشبرد اهداف سازمانی و رسیدن به موفقیت است، در یک تیم فوتبال نیز سرمربی همین نقش را بر عهده دارد و باید وظایف بازیکنان در زمین را پیش از شروع بازی برای آنها تعیین کند و مجموعه تیمی خود را در سرردگی خارج سازد. امیرقلعه‌نوبی قطعا مشکلی با گادوین منشا که به شدت از تصمیم امیرقلعه‌نوبی عصبانی شده بود، برای کسب عنوان بهترین گلزن فصل ندارد و بی شک از این موضوع و داشتن آقای گل مسابقات در تیم خود استقبال می‌کند، اما وقتی بحث منافع تیمی در میان باشد، ماجرا متفاوت می‌شود. منشا تا پیش از مصاف با استقلال ۶ مرتبه دروازه حریفان را زده بود و می‌خواست با گل کردن پنالتی در مصاف با استقلال به اولی بازنیکتی تبدیل شود که تعداد گل‌هایش در لیگ بیستم را در رقمی می‌کند؛ اما این وظیفه‌ای بود که امیرقلعه نوبی پیش از بازی به بازیکن دیگری سپرده بود. منشا پیش تر در دیدار هفته سوم مقابل فولاد خوزستان یکبار پنالتی خود را در مصاف با محسن فروزان از دست داد بود ولی کمک داور مسابقه رای به تکرار ضربه داد و اینبار مهاجم نیجریه‌ای گل گهر دروازه را باز کرد. این البته تنها مورد منفی در کارنامه پنالتی‌زده‌های منشا نیست که کادر فنی گل گهر را متقاعد کرد، بازیکن مطمئن‌تری را برای زدن ضربات پنالتی انتخاب کنند؛ او پیش تر در پرسپولیس نیز پنالتی از دست داده بود و مصاف با صنعت نفت در جام حذفی که منجر به حذف سرخپوشان شد، یکی از خاطرات تلخ گادوین منشا در به ثمر نشاندن ضربات پنالتی است؛ مسابقه‌ای که منشا پنالتی خود را از دست داد و گریه‌های او پس از حذف سرخپوشان در خاطر هواداران این تیم باقی مانده است؛ در سوی مقابل منشا زنده روح سال گذشته خوش‌شان را به عنوان یکی از بهترین پنالتی زنر لیگ برتر معرفی کرد، ۶ بار از روی نقطه پنالتی دروازه حریفان را باز کرده بود. امیرقلعه‌نوبی در کنفرانس خبری این مسابقه به طور ویژه در مورد ناراحتی و عصبانیت منشا و دلیل تصمیمی که گرفته صحبت کرد. او به نوعی حجت را بر مهاجم تیمش که در حال سپری کردن بهترین دوران خود در فوتبال ایران است، تمام کرد و گفت: «ما تصمیم می‌گیریم که در سه شرایطی چه بازیکنی ضربه بزند، ما بآن پنالتی می‌توانستیم به بازی برگردیم ولی توپ‌های دقیق پایانی تبدیل به گل نشد. اگر آن پنالتی را می‌زد و گل نمی‌شد، خود منشا از نظر روحی روانی بهم می‌ریخت و من هم افت بزرگی می‌کرد. برای پنالتی باید به شرایط و زمان بازی نگاه کرد. البته قبلا هم زنده روح مقابل ماشین سازی پنالتی زده بود و بار اول او نبود.»در واقع شرح وظایف شاگردان امیر قلعه‌نوبی آنطور که خودش می‌گوید در زمین مشخص است و زنده روح که در دیدار برابر ماشین سازی نیز زنده گل سه امتیازی تیمش از روی نقطه پنالتی انتخاب شده بود، این وظیفه را بر عهده داشت و اگرچه به برآشتگی منشا شد، ولی اینجابه‌تجایبی بود که رهبر یک مجموعه با قدرت خود تصمیم می‌گیرد اما این کاری بود که امیرقلعه نوبی انجام داد و حالا به مهاجم تیمش هم ثابت کرده که کار درست انجام شده و احتمالا در بازی‌های حساس بعدی، منشا به خوبی می‌داند که چه کسی باید برای زدن ضربه‌های پنالتی پشت توپ بایستد، البته که به خود امیرقلعه‌نوبی برای زدن پنالتی باید به شرایط و زمان بازی نگاه کرد.

روزنامه‌سپور ایران

روزنامه‌سپور ایران

**آقای مریی به فهم هوادار احترام بگذار**

# پرسپولیسی‌ها به تنظیمات کارخانه بازمی‌گردند



مسعودحسین

پرسپولیس که به قول خوداز جایی برگشته که خیلی‌ها آرزو دارند آنجا باشند، نشان داده که گویی خودش هم به آنجا تعلق نداشته و این بیش از آنکه از لحاظ فنی قابل لمس باشد از نقطه نظر اخلاقی مشهود است.

در مورد دو هفته اخیر باشگاه سرخ‌ها و اتفاقاتی که روی داد، بحث بسیار است و تبت‌توار باید گذشت. نخست، اتفاق خوبی رخ داد و یحیی گل محمدی در نشست خبری پس از بازی با اولسان گفت باید زبرساخت‌ها را ارتقا داد و عیب‌ها را برطرف کرد و از نبود عیسی آل کثیر در دیدار پایانی هرگز گله‌ای نکرد.

اما این دو هفته نشان داد همه آدم‌ها به تنظیمات کارخانه‌شان بازمی‌گردند مگر آنکه خلأش ثابت شود. این ار او بار خود گل محمدی در بازگشت از دوحه و مصاحبه علیه مدیران باشگاه در خصوص بشار رسن نشان داد. این بازیکن عراقی گویا قرار نیست از دهان این مربی بیفتد حال آنکه بزرگ‌تر از این بازیکن هم در پرسپولیس بوده‌اند و رفته‌اند، البته این به منظور تأیید تور رفتن رسن از آزمون بلکه مواجعه با وضعیت فعلی است. اینکه این مربی مدام بگوید چون بازیکنم رفته پس نباید از این تیم انتظار داشت، نقطه آغاز مسئولیت‌ناپذیری به حساب می‌آید. باید به این مربی گفت هافبک خلاق عراقی از این تیم رفته و وظیفه اوست که چاره‌ای برای وسط میدانش بیاندیشد.

افشین پیروانی، مدیر این تیم، در یک برنامه تلویزیونی در پاسخ به هجمه‌های بجا و نابجایی که به تیمش می‌شود، کرمی می‌خواند و خود و تیمش را برتر می‌بیند حال آنکه برتر بودن در دنیا، به برتر بودن حال است و نه گذشت. به قول معروف «داشتم داشتم حساب نیست، دارم دارم حساب است.»

پرسپولیس در بازی با نساجی قبل از اینکه از زمین ضربه بخورد – که واقعا زمین دور از استانداردی هم بود – از ضعف‌های خودش ضربه خورد. گلی که دریافت کرد و گل‌هایی که دریافت نکرد در بار دیگر بازیبتنی کیند تا بی‌ به ضعف‌های مشهود این تیم در همه خطوط باشد.

بازیکنان این تیم، خود را خاص می‌دانند اما دست کم در این دو بازی نشان ندادند که نایب قهرمان آسیا هستند و گویا در زمین اینستاگرام، از قدرت بیشتری برخوردار بودند تا در زمین فوتبال. گل محمدی چند روز قبل در اقدامی پسندیده، به نمایندگی از سوی باشگاه پرسپولیس، رهسپار یاسوج شد تا مدال خود را تقدیم به خانواده هوادار فقید، بهروز خورشیدیان، کند. این رفتار، تحسین برانگیز است.

اکنون از این مربی باید پرسید چرا در تیمش شاهد رفتارهای ناجوانمردانه هستیم. حامد لک گویی دوباره به تنظیمات کارخانه بازگشته چون

## چشم آقای بهاروند، کسی حرف نمی‌زند



حیدر بهاروند بعد از سال‌ها مسئولیت و امتناع از مصاحبه و نشست خبری، حالا برای توجیه ایرادها و انتقادات از کارنامه کاری خود، منتقدان – اعم از اهالی رسانه، کارشناسان و طرفداران فوتبال – را به سکوت دعوت کرده چون به عقیده او، آن‌هایی که «هیچ سمت اجرایی در باشگاه‌ها، هیات‌ها و ارکان فوتبال ندارند» حق انتقاد و اظهارنظر هم ندارند!

در چند روز اخیر و در خلال بررسی عملکرد اعضای هیات رئیسه فدراسیون فوتبال در پنج سال گذشته، گزارش با عنوان «حیدر بهاروند؛ عاشق ابدی میز خدمت» منتشر شد که به تخلفات و اقدامات بحث برانگیز و بعضاً اشتباه این چهره پرداخته بود. بعد از این اتفاق، سرپرست فدراسیون فوتبال و رئیس سازمان لیگ در گفت‌وگویی با سایت فدراسیون فوتبال به برخی از بندهای این گزارش پاسخ داد. او انتقادات به خودش را نشانه تخریب فوتبال دانست و منتقدانش را «بی‌اطلاع از قوانین» قلمداد کرد. او در این مصاحبه طویل، به برخی از انتقادات، به مدل خاص خودش جواب داده اما برخی را زیر سیبیلی رده کرده است؛ رئیس سازمان لیگ که چشم خود را روی تخلف ابتدایی در انتخاب مهدی محمدینی به عنوان دبیرکل بسته و منکر هرگونه تخلفی در بدو امر شده، منتقدانش را به کسانی تشبیه کرده که «خود را به خواب زده‌اند.»

**اما انکار و فرافکنی سرپرست کنونی به چه رفتاری شبیه است؟**

بهاروند پاسخی درباره نحوه انتخاب به عنوان نایب رئیس فدراسیون فوتبال با قانون شکنی ن داده و غرامت ۶.۲ میلیون یورویی در پرورنده مارک ویلموتس را با یک خط پاسخ پشت سر گذاشت و هیچ اشاره‌ای به هیچ شکل پرورنده از سوی سازمان بازرسی کل، کشور نکرده است. او حتی به خودش زحمت نداده درباره حذف تیم ملی بانوان از رنکینگ فیفا و به حراج رفتن ساختمان این فدراسیون هم صحبت کند. در این گزارش به بررسی پاسخ‌های پر از تناقض سرپرست کنونی فدراسیون فوتبال می‌پردازیم که در اظهاراتی باری به هر جهت به توجیه کارنامه خود پرداخته است.

#### هواداران و رسانه‌ها حرف زنند!

حیدر بهاروند معتقد است که فوتبال ایران در این سال‌ها پیشرفت کرده و کسانی که هیچ سابقه اجرایی ندارند نباید حرفی بزنند. او در مصاحبه خود می‌گوید: «دراره اینکه فوتبال در سال‌های اخیر پیشرفت کرده یا سرفت باید فوتبالی‌ها نظر بدهند نه افرادی که هیچ سابقه اجرایی در فوتبال اعم از باشگاه‌ها، هیات‌ها و سایر ارکان فوتبال نداشته‌اند.» با این حساب و با در نظر گرفتن همین جمله، هواداران و علاقه‌مندان به فوتبال از جمله کارشناسان و بازیکنان سابق تیم ملی که هیچ گونه سابقه اجرایی در باشگاه‌ها، هیات‌های فوتبال و سایر ارکان ندارند، حق اظهارنظر ندارند و همه باید گوش به فرمان آقای بهاروند باشند.

#### حذف تیم ملی بانوان از رنکینگ فیفا پیشرفت است؟

تیم ملی فوتبال بانوان از رنکینگ فیفا حذف شد؛ همین یک جمله برای کناره‌گیری تمام مسئولان فوتبال یک کشور کافی است اما در ایران، مسئولان فدراسیون فوتبال به خصوص حیدر بهاروند سکوت پیشه کرده و هیچ جوابی برای این موضوع ندارند. بهاروند معتقد است که فوتبال ایران پیشرفت کرده است: «با دو صعود متوالی تیم ملی به جام جهانی، دو قهرمانی متوالی تیم ملی فوتبال بانوان، صعود تیم‌های ملی نوجوانان و جوانان به جام جهانی، سومی تیم ملی فوتبال در جام جهانی و تدوام آقایی این تیم در قاره، قهرمانی تیم ملی فوتبال ساحلی در جام بین قاره‌ای و سومی در جام جهانی، دو بار حضور پرسپولیس ایران در فینال لیگ قهرمانان آسیا گواهی بر توسعه فوتبال در ایران نیست؟ ضمنی آنکه قطعا هیچ کار اجرایی بدون ایراد نیست»

او اشاره نکرده که تیم ملی ایران در خطر حذف از انتخابی جام جهانی است، تیم ملی جوانان و نوجوانان بعد از حضور در جام جهانی در آسیا از گروهشان هم بالاتر نرفتند، تیم‌های ملی بانوان هیچ اردویی ندارند، تیم ملی فوتبال ساحلی در جام ملت‌های آسیا در گروهش حذف شد و مجوز جام جهانی را نگرفت، تیم ملی امید فوتبال در مسابقات آسیایی به میزبان ایرانی در فینال شکست خورد و مهم‌تر از همه فوتبال بانوان از رنکینگ فیفا خارج شد.

#### بازنشته‌ها تا بهاروند را دارند، غمی ندارند

حضور بازیکنان بهر هیات ریسه فدراسیون فوتبال با توجیه این موضوع که آن‌ها به صورت پاره وقت به فعالیت خود ادامه می‌دهند تا به حال ادامه داشته اما برخی نمایندگان مجلس معتقدند در این دوره هیچ بازیکنشته‌ای در هیچ سمتی حق حضور در انتخابات را ندارد. بهاروند درباره فعالیت بازیکنشته‌ها می‌گوید: «در اساسنامه فدراسیون و در ماده ۳۴ به صراحت آمده که هیات ریسه در سال ۹۹ جلسه تشکیل می‌دهد. ضمن اینکه در تبصره ۹ قانون بازنشستگی آمده که افراد با دریافت یک سوم حقوق می‌توانند در ماه ۶۰ ساعت در دستگاه‌های دولتی فعالیت کنند.»

اما در حالی که هیات ریسه فدراسیون فوتبال امسال

بیش از ۱۲ جلسه را به خصوص در رابطه با اساسنامه این فدراسیون برگزار کرد. از طرفی اعضای هیات رئیسه مانند کامل طالقانی

و فریدون اصفهانیان بر امور دیگری مانند کمیته داوران و کمیته استان‌ها نظارت دارند و ماهانه سفرهای مختلفی را به استان‌ها انجام

می‌دهند که بیش از یک نیروی تمام وقت را می‌طلبد.

**پای‌بندی به قوانین کسرتن به قانون بازنشستگی؟**

حیدر بهاروند همچنان روی حرف خود پافشاری می‌کند و

تعریف جدیدی از تعهد به قوانین کشور را ارائه کرده است. او در حالی

که مصمم به اجرا نکردن قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان است،

شماره ۳۱۲۰

**آقای مریی به فهم هوادار احترام بگذار**

# پرسپولیسی‌ها به تنظیمات کارخانه بازمی‌گردند

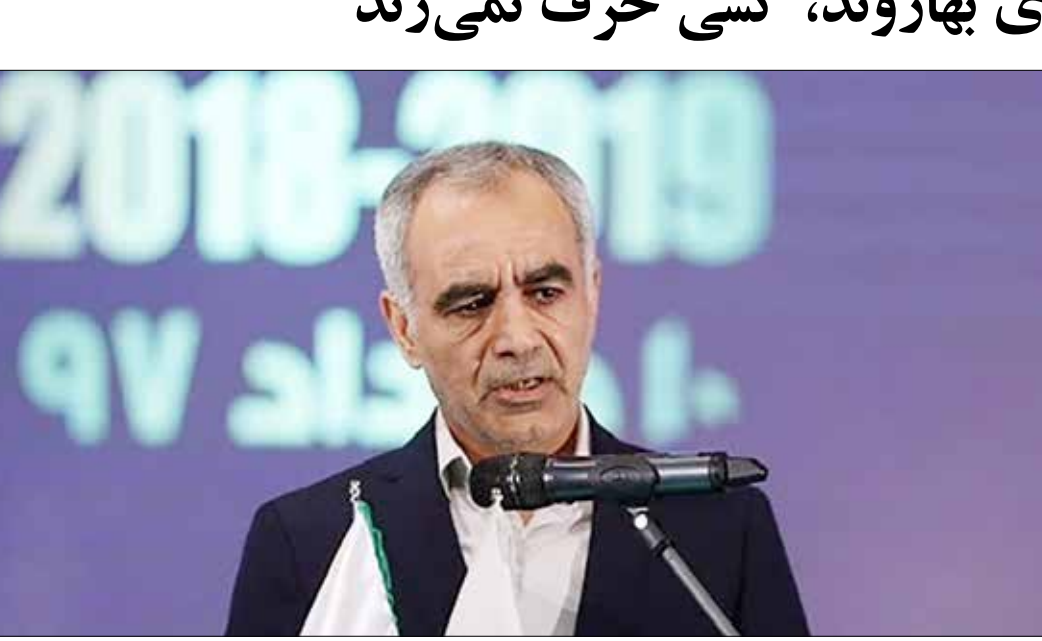
وقت کشی را از سر گرفته است. البته این دروازه‌بان در بازی با ذوب آهن کار جدیدتری هم رو کرد، اینکه به هنگام ضربه کرنر ذوبی‌ها، توپ را به وسط زمین انداخت تا بازی متوقف شود. همچنین بابت ضربه عبدالله حسینی که هرگز به او برخورد نکرد، اقدام به «داور فریبی» کرد و در نهایت جنجالی را به پا کرد که دو اخراجی در پی داشت. اتفاقا دود این اخراج هم به چشم خود پرسپولیس رفت.

پرسپولیسی‌ها بلافاصله پس از بازی از طریق مدیر رسانه‌ای خود پستی را منتشر کردند مبنی بر اینکه جریان‌سازی ذوب آهن باعث توقف آنها شده است. اما گویا بیانیه ذوب آهن در نیمه نخست بازی، کارکردی نداشته و از نیمه دوم اثرگذاری آن آغاز شده است. اینگونه فرافتنی‌ها جز به بیراهه رفتن نیست آن هم برای تیمی که هنوز آنقدر مهره ارزشمند و تاثیرگذار دارد که گل محمدی، بشار رسن را بر سر بازیکنانش نکوبد.

مربیان پرسپولیس پاسخگوی رفتارهای خود هم باشند. پاسخگوی عملکرد نا مناسب آرمان رضایی، مهدی مهدی‌خانی، سعید آقایی و مهدی عبدی. پاسخگوی خود برتر بینی. پاسخگوی کرمی خوانی‌های مجازی که تمرکز تیم را از بین می‌برد. پاسخگوی شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت و پاسخگوی خیلی چیزهای دیگر.

بله پرسپولیس تیم خاصی است. تیمی که در فاصله یک ماه از بلندای فوتبال آسیا به جایی رسیده که در زمین خودش هم باید بابت تساوی راضی باشد.

## سرمربی پرسپولیس پاسخگوی رفتارهای خود



ابراهیم شکوری درباره نامه کنفدراسیون فوتبال آسیا به فدراسیون مبنی بر اینکه چطور در جلسه‌ای بدون حضور دبیرکل وقت، دبیرکل جدید انتخاب شده گفته بود: «بند در آخرین جلسه‌ای که هیأت رئیسه محترم فدراسیون فوتبال تشکیل داده، حضور داشتم چون از زمان جلسه اطلاع پیدا نکردم.» اینکه چطور ممکن است دبیرکل فدراسیون – که باید در جلسات هیات رئیسه شرکت کند – غایب باشد، از آن مسائلی که است بهاروند فقط می‌تواند جواب دهد. **سندهای خبر از حقایق نمی‌دهند**

ماجرای روی کار آمدن اسکوپجیح همچنان برای اهالی فوتبال مبهم است به طوری که اعضای هیات رئیسه تا ۱۰ روز قبل از این ماجرا مرتباً می‌گفتند که سرمربی بعدی این تیم ایرانی است ولی وقتی همه صبح روز پنج‌شنبه چشمشان را باز کردند، عکس دو نفره اسکوپجیح و بهاروند را دیدند که حاکی از سرمربیگری این مرد کروات در تیم ملی بود. حالا بهاروند می‌گوید: «انتخاب دراکان اسکوپجیح با برگزاری دو نشست مفصل کمیته فنی و توسعه فدراسیون انجام شد و هیات ریسه هم این انتخاب را مصوب کرد و مستندات آن هم موجود است.»

با این حال، ابراهیم شکوری که دبیرکل فدراسیون فوتبال بود و فقط یک روز قبل از این ماجرا به سوتیس رفته بود درباره این انتخاب می‌گوید: «هن روز چهارشنبه به زوربخ رفتم و در جریان انتخاب سرمربی نیستم. در جریان انتخاب اسکوپجیح و اینکه چه پروسه ای طی شده است هم نیستم.» حال چطور ممکن است که دبیرکل به عنوان مسئول اجرایی فدراسیون فوتبال که در جلسات کمیته‌ها و هیات رئیسه هم حضور دارد، از این موضوع بدون اطلاع باشد؟ لطفاً آقای بهاروند این موضوع را برای اطلاع تمام اهالی فوتبال مشخص کند.

#### حکم تأیید روی یک اشتباه

وی درباره سلب میزبانی از تیم‌های ایرانی در لیگ قهرمانان آسیا هم توضیحاتی را ارائه داده است. بهاروند می‌گوید: درباره میزبانی تیم می دانیم به دلیل نگرانی‌های کنفدراسیون از لحاظ برخی شرایط میزبانی بود که باید پیگیری‌های مسئولان رفع شد. چندی قبل سعید فتاحی، رئیس سابق کمیته مسابقات سازمان لیگ مدعی شد که به علت انتشار خبر «لغو پنج دیدار به علت نبود امنیت» در برخی شهرها در سایت رسمی این سازمان، **AFC** از این موضوع برای جریمه فوتبال ایران استفاده کرده و در آن مقطع رئیس سازمان لیگ به این موضوع توجه نداشته است.

**مگر چیزی هم مانده که ویلموتس بهره‌برداری نکرده باشد؟** بزرگترین و فاجعه‌بارترین قرارداد ورزش ایران یعنی انتخاب مارک ویلموتس مربوط به دوران حضور بهاروند در هیات رئیسه و سپس سرپرستی او در فدراسیون فوتبال است؛ قراردادی که حالا منجر به بدهی به شستا و حراج ساختمان این فدراسیون هم شده و علاوه بر آن غرامت ۶.۲ میلیون یورویی به ویلموتس هم در کنار آن وجود دارد. از طرفی در پی این اتفاقات سازمان بازرسی کل کشور برای اعضای هیات رئیسه برای اعضای قرارداد ویلموتس اعلام جرم کرده و اخباری مبنی بر پرداخت غرامت فدراسیون فوتبال در پرورنده ویلموتس از حساب شخصی اعضای هیات رئیسه به گوش می‌رسد اما این بار بهاروند اعلام کرده برای ندادن فرصت بهره برداری به طرف مقابل، در حال حاضر توضیح بیشتری ندارد. به نظر می‌رسد مانند در یک فدراسیون ورشکسته بیش از آن چه به نظر می‌رسد، ارزشمند است که هر کسی اعم از بازیکنشته‌ها و افراد ناکارآمد هم حاضرند ره مطلبی را بیان کنند و حتی مقابل قانون قد علم کنند تا صندلی هیات رئیسه و سایر ارکان این فدراسیون را به دست آورند. کاش حیدر بهاروند به جای این اظهارات پر از تناقض، اندکی درباره زمان پرداخت مطالبات شرکت شستا و احتمال حراج ساختمان این فدراسیون، پرداخت نشدن حقوق کارکنان و حتمیل حراج حذف تیم ملی بانوان از رنکینگ صحت می‌کرد تا خیال اهالی فوتبال از بابت برنامه‌ریزی این فدراسیون برای آینده راحت شود.

البته که او به خودش زحمت نداده و از افرادی که سمت اجرایی ندارند خواسته کلا درباره فوتبال بزد ندهند. کما اینکه وقتی سعید

آذری هم از انتخاب اصفهانیان برای کمیته داوران انتقاد کرد، او را

که یک مسئول اجرایی در باشگاه‌ها است به کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال فراخواندند.